وابستگی قیمت ارز و قیمت دیگر کالاها

در قسمت اول نوشته بودیم‏"در لحظاتی که این‏ سطور نوشته میشود،بازار هنوز در یک نوع حالت انتظار بسر میبرد".متاسفانه اینک که یک ماه از تاریخ نوشتن آن‏ قسمت میگذرد،هنوز این حالت وجود دارد،در حالیکه‏ اقتصاد یک کشور نباید حتی یک روز در حالت‏ انتظار و اضطراب بماند.

البته اعتراف میکنم که قسمتی از این حالت،مربوط به‏ کسانی است که روی ارز و پول کشور سفه بازی‏ میکنند.ما را با آنها کاری نیست.بگفته ریاست جمهوری‏ اگر ارزی خارج از بانک هست-و ممکن هم هست که باشد و ممکن است افرادی هم باشند که بخواهند گناه‏ بکنند و خلاف قانون کار انجام دهند،مخفی،به دور از چشم‏ مامورین،بین خودشان مبادله بکنند که اینها خلاف قانون‏ است.اگر برخورد بکنیم که مصادره و جریمه میشوند... اما یک جریان شکننده روی بازار ندارد".روی سخن‏ با مسئولان اداره‏کننده سیاست ارزی و پولی و تولیدی‏ و صادراتی کشور است.سخن در اینست که تخصیص ارزی‏ که اخیرا برای تولید و صادرات اعلام شد،کافی نیست‏ و جوابگوی احتیاجات برنامه دوم و نیازهای روزه‏مره صنعت‏ و صادرات نیست.

از سوی دیگر صادرکننده نیز دقیقا نمیداند چه امتیازی‏ برای صادرات و قابل رقابت کردن کالاهای صادراتی او،به‏ وی تعلق میگیرد و در مقابل 300 تومانی را که باید به بانک‏ بفروشد،برمبنای کدام ارزیابی صحیح قیمت کالایش باید محاسبه کند.زیرا اینک یکی از شکایات عمده‏ صادرکنندگان اینست که در گمرک کالاهای آنها را بمراتب‏ بیش از قیمتی که با ارز 300 تومانی قادر به فروش آن هستند ارزیابی میکنند که این امر هم از نظر واریزنامه ارزی و هم‏ از نظر محاسبه مالیات بر درآمد آنها را در مضیقه قرار میدهد.

البته همه آنچه در اینجا گفته شد،یک حقیقت و اصل اساسی را منتفی نمی‏کند و آن اینکه:کلیه‏ دریافتیها و پرداختیهای ارزی کشور باید منحصرا از مجرای‏ بانکی و آنهم زیر نظر دقیق و کارشناسنانه بانک مرکزی‏ و با یک بازرسی سیستماتیک انجام گیرد".بحث اینست‏ که،باید ابهامات را از بین بریم.و به تصمیماتی که میگیریم‏ از نقطه نظر"تالی فاسد"آن نیز نظر کنیم.فکر کنید همه‏ راهها را بر متخلفین به‏بندند و فقط یک کوره راه را نادیده‏ بگیرند.متخلف از همان کوره راه وارد میشود و بعد این‏ بیماری سرایت میکند.آنکه گفتیم خطاکار همیشه هست‏ و ضریب خطاکاری را نمتوان به صفر رسانید،بجای‏ خود،اما اگر راهی برای تحصیل سود بیشتر وجود داشته‏ باشد مردم بدنبال آن راه میروند و قانونا هم‏ مآخذ نخواهند بود.

یک وقت هست که ما عوامل ایجادکننده نادرستی را از بین‏ میبریم،یک وقت هم سعی میکنیم بر نادرستیها پرده‏ بیاندازیم.این مورد دوم همان چیزی است که‏ نادرستها آرزو میکنند.ما باید دقیقا تحقیق کنیم که کره‏ و گره کور-اقتصاد و بازرگانی خارجی کشور در کجاست‏ و آن گره را باز کنیم و بگذاریم تولیدکننده و صادرکننده‏ با راحتی،آرامش و اطمینان بکار قانونی خود ادامه دهند.

باید در وضع قوانین-مقررات-آئین‏نامه‏ها و بخشنامه‏ و دستور العملها و در اجرای آنها همیشه سعی کنیم به نحوی‏ عمل کنیم که فعالان اقتصادی ساده‏ترین و سودآورترین‏ راه را پیروی از قوانین و مقررات بدانند.بی‏جهت‏ نباید برای کاری که بدون دخالت دستگاههای دولتی‏ بخوبی اجرا میشود قوانین و مقررات و دستور العملهای‏ جورواجور و ضدونقیض صادر کرد.دولت و دستگاه‏ قانونگذاری باید وقتی وارد عمل شوند که حقیقتا بدون‏ مداخله آنها مسائل و دشواریهای جورواجور پیش می‏آید. نقش اصلی دستگاههای گفته شده باید نظارت صحیح‏ بر حسن اجرای برنامه‏ها،منطبق با هدفهای اصولی‏ کشور،اعم از کوتاه مدت،میان مدت و بلند مدت،باشد.

میدانیم که ساده‏ترین نوع نقل و انتقال در جهان، نقل و انتقال ارز است که هیچ اثری برای پیگیری و ردیابی‏ نیز از خود برجای نمیگذارد.در حقیقت نقل و انتقال‏ ارز به سهولت امواج صورت میگیرد و از مرزهای جغرافیائی‏ با همان سهولت گذر میکند.-و اتفاقا در این عصر ارتباطات‏ الکترونیک راه دور و ماهواره‏ای-وسائل ارتباطی فوق‏ مدرن-مهمترین وسیله نقل و انتقال ارز و خرید و فروش‏ و حتی نقل و انتقال،مالکیتهای کالاها هستند. EDI یا تجارت بدون کاغذ که اینروزها فراگیر شده و ما هم تلاش‏ بسیار داریم تا آنرا در کشور خود مرسوم کنیم،اولین چیزی‏ را که دربرمیگیرد همان نقل و انتقال ارزی و قول و قرارهای‏ بازرگانی است.بورسها عامل دیگری برای‏ این نقل و انتقال هستند.شما نگاه کنید به ارقام‏ خرید و فروش سالانه نفت در بورسهای مهم بین المللی‏ و بعد آنها را با نقل و انتقال فیزیکی نفت مقایسه کنید آنوقت‏ خواهید دید که معاملات نفت در بورسها بطور باورنکردنی‏ از نقل و انتقال فیزیکی نفت فزونی میگیرد و عده‏ای از این‏ معاملات دفتری،میلیادها می‏اندوزند و یا ضرر میدهند. بنابراین اگر بخواهیم تحصیل ارز کنیم باید نشان دهیم که‏ بهترین راه جلب ارز را بکار بسته‏ایم،و هر ایرانی که‏ وارد داد و ستد می‏شود بهترین راه سودآور را آن‏ بداند که ارز خود را به کشور بیاورد و با آن داد و ستد خود را رونق‏ بدهد و عزت و احترام و اموال او نیز محفوظ مصون‏ از هر تعرضی باشد.

یک مورد که بخصوص با ارز سر و کار دارد،جهانگردان‏ و مسافران خارجی هستند که به ایران می‏آیند.به آنها گفته‏ شده اگر ارز همراه دارند در گمرک اظهار کنند تا در شناسنامه‏شان‏ نوشته شود.خوب حالا این مسافر در هنگام خروج‏ عینا ارز خود را به مامور گمرک ارائه‏ دهد و در جلو او آنها را بشمارد یا آنکه اگر کالائی خریده،برگه‏ فروش ارز با نرخ دولتی را به بانک ارائه دهد.اگر به مسئولین‏ امر برنخورد این همان روشی است که در شوروی سابق‏ و در مصر،پس از جنگ با اسرائیل،رواج داشت.این روش‏ منبع ارزی مهمی را از هر دو کشور سلب کرد.این روش‏ را مقایسه کنید با کشورهای اروپای غربی که هرچه‏ بیشتر پول وارد آنها کنید بیشتر خوشحال میشوند تا جائیکه‏ در انگلستان اگر 300 هزار پوند ارائه دهید میتوانید جواز اقامت بگیرید.اگر مسافر باشید.مغازه‏های مختلف‏ و کالاهای گوناگون و خدمات ارائه شده چنان‏ مسافر پولدار را بخود جلب میکنند که‏ تا دینار آخر را در کشور یا کشورهای مورد بازدیدش خرج‏ میکند.حال اگر نتواند کالائی بخرد که آنرا با خود به کشورش‏ ببرد.پول خود را در آنجا یا پس‏انداز میکند یا خرج تفریحات‏ میکند."عنایتی بنما تا سعادتی ببری‏"راهی را برگزینید که‏ بازرگان و صاحب صنعت و توریست به این کشور بیاید و ارز خود را با رضا و رغبت در این کشور سرمایه‏گذاری یا خرج کند. اگر چنین سیاستی با دقت طرح‏ریزی و اجرا شود آنوقت هم‏ تولید داخلی افزایش میبابد،هم صادرات فزونی‏ میگیرد و هم قاچاق ارز به حداقل میرسد.با اینهمه‏ همانطور که در مقاله جداگانه در همین شماره نوشتیم عامل‏ همسانی قیمتها را برای جلوگیری از قاچاق نباید نادیده‏ گرفت و در مورد ارز هم این امر مصداق دارد.به این معنی که‏ اگر شخص بتواند در ایران یا کشور دیگری با یک دلار و یا با آن‏ مبلغ ریالی که با آن میتواند یک دلار بخرد،کالای مشابهی‏ در هر دو کشور خریداری کند رغبتی به قاچاق‏ ارز نخواهد داشت،همچنانکه در آنصورت رغبتی هم به‏ قاچاق کالاهای وارداتی و صادراتی پیدا نخواهد کرد. بهتر است در اصلاح مقررات و عملکردها بیشتر دقت کنیم‏ تا سختگیریهای بی‏مورد.